

Pedagogy in Children's Literature, A Case Study of the Story of Ana and Jumana by Mahmoud Shuqair

Ezzat Molla Ebrahimi ¹, Mobina Kabiri ²

¹Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran. Iran.
(Corresponding Author). mebrahim@ut.ac.ir

²Master's Degree of Arabic Language and Literature, University of Tehran. Iran
mokab.ar.tr@gmail.com

Abstract

This study examines the role of pedagogy in imparting educational concepts in the short story "Ana wa Jumana". This story, authored by the renowned Palestinian writer and storyteller Mahmoud Shuqair, portrays the struggles of the oppressed Palestinian people. The authors of the present research have sought, through an evaluative approach to pedagogy—understood as both an art and a science that enables children to learn more effectively, extensively, and accurately—to analyze its impact on the transmission of the elevated values embedded in the story. The significance of addressing this topic stems from the fact that, despite the considerable importance of didactic themes in Shuqair's works, no prior study has investigated the pedagogical role in enhancing the influence and retention of these teachings in the minds and hearts of children, who constitute the primary audience of his narratives. To this end, the authors employed a descriptive–analytical methodology to explore "Ana wa Jumana" through the lens of children's literature pedagogy. The findings reveal that pedagogy enabled the author to convey the lesson of resistance to children indirectly—through play and in the form of their childlike dialogues—embedding the

message within the deeper layers of the story. Consequently, the effective employment of pedagogical elements in the narration of "Ana wa Jumana" increases the impact and durability of its educational and social messages in the consciousness of young readers.

Keywords: Pedagogy, Play, Children's Literature, Ana wa Jumana, Mahmoud Shuqair, Resistance Literature, Resilience.

البيداغوجيا في تعليم المفاهيم التربوية في قصة «أنا وجمانه» من أعمال محمود شقير

عزت ملابراهيمي^١، مينا كبرى^٢


^١استاد زبان و ادبيات عربی دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسئول) mebrahim@ut.ac.ir

^٢کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تهران، ایران. b.ar.tr@gmail.com

الملخص

يتناول هذا البحث دور البيداغوجيا في تعليم المفاهيم التربوية في قصة «أنا وجمانه». تُعدّ قصة «أنا وجمانه» من أعمال محمود شقير، الأديب والقاصّ الفلسطيني البارز، الذي يُعنى في كتاباته بعرض معاناة الشعب الفلسطيني المظلوم. سعى الباحثون في هذه الدراسة، من خلال تقييم البيداغوجيا بوصفها فناً وعلماً يساعد الأطفال على التعلّم بصورة أفضل وأكثر عمقاً ودقّة، إلى تحليل أثرها في تعليم القيم السامية الواردة في هذه القصة. وتنبع أهمية البحث من أنه على الرغم من الأهمية البالغة للمضامين التعليمية في نتاج محمود شقير، لم تُدرس بعدد دور البيداغوجيا في تعزيز تأثير هذه التعاليم وترسيخها في نفوس الأطفال، وهم الجمهور الرئيس لأعماله القصصية. ولتحقيق ذلك، اعتمد الباحثون منهجاً وصفيّاً-تحليلياً لدراسة قصة «أنا وجمانه» من منظور بيداغوجيا أدب الطفل. وتُظهر نتائج البحث أن البيداغوجيا ساعدت الكاتب على تقديم درس المقاومة للأطفال بشكل غير مباشر، عبر اللعب، ومن خلال الحوارات الطفولية فيما بينهم، بحيث تترسخ المعاني في البنية العميقة للنص. وبهذا، فإن التوظيف الفعّال للعناصر البيداغوجية في السرد القصصي لـ «أنا وجمانه» يعزّز من تأثير المضامين التربوية والاجتماعية للقصة ويزيد من استمراريتها في أذهان المتلقين الصغار.

الكلمات المفتاحية: البيداغوجيا، اللعب، أدب الطفل، أنا وجمانه، محمود شقير، أدب المقاومة، الصمود.

تاريخ الاستلام: ۱۴۰۴-۰۳-۰۹ تاريخ المراجعة: ۱۴۰۴-۰۵-۲۸ تاريخ القبول: ۱۴۰۴-۱۰-۲۹ تاريخ النشر على الإنترنت: ۱۴۰۵-۰۱-۱۵
المقال مستند الي: كبرى، مينا، ملابراهيمي، عزت (۱۴۰۵) البيداغوجيا في تعليم المفاهيم التربوية في قصة «أنا وجمانه» من أعمال محمود شقير، بحث في تعليم اللغة العربية وأدبها، (۱)، ص ۱۶۰-۱۸۳. 

الناشر: جامعة فرهنگيان <http://https://amozesharabi.cfu.ac.ir> © المؤلفون



پداگوژی در ادبیات کودک مطالعه موردی داستان أنا و جمانه اثر محمود شقیر

عزت ملابراهیمی^١، مبینا کبیری^٢

^١استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسئول) mbrahim@ut.ac.ir

^٢آکارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تهران، ایران. mokab.ar.tr@gmail.com

چکیده

این نوشتار نقش آفرینی پداگوژی را در آموزش مفاهیم تربیتی در داستان «أنا و جمانه» مورد بررسی قرار داده است. داستان «أنا و جمانه» از داستان‌های محمود شقیر ادیب و داستانسرای مشهور فلسطینی است که به شرح مشکلات مردم مظلوم فلسطین می‌پردازد. نگارندگان در این پژوهش تلاش کرده‌اند ضمن ارزیابی پداگوژی، به‌عنوان هنر و علمی که کودکان را برای یادگیری بهتر، بیشتر و دقیق‌تر یاری می‌رساند، اثر آن را در تعلیم آموزه‌های متعالی این داستان بررسی و تحلیل نمایند. پرداختن به موضوع بدین دلیل ضروری است که علیرغم اهمیت بسیار زیاد مفاهیم تعلیمی در آثار محمود شقیر، تاکنون به نقش پداگوژی در تأثیرگذاری و ماندگاری تعلیم این داستان‌ها بر روح و جان کودکان که مخاطبان اصلی داستان‌های او هستند، پرداخته نشده است. به همین منظور نگارندگان این جستار، با روشی توصیفی - تحلیلی، داستان «أنا و جمانه» را از منظر پداگوژی ادبیات کودک مورد واکاوی قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پداگوژی به نویسنده کمک کرده است از طریق بازی و در قالب گفتگوهای کودکانه‌ی آنان با یکدیگر، درس مقاومت را به‌صورت غیرمستقیم در لایه‌های پنهان داستان به کودکان تعلیم نماید. بدین ترتیب، به‌کارگیری مؤثر عناصر پداگوژیک در روایت داستان «أنا و جمانه» تأثیرگذاری و ماندگاری آموزه‌های تربیتی و اجتماعی آن را در ذهن مخاطبان خردسال افزایش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: پداگوژی، بازی، ادبیات کودک، أنا و جمانه، محمود شقیر، ادبیات پایداری، مقاومت

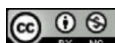
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴-۰۳-۰۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴-۰۵-۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴-۱۰-۲۹ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵-۰۱-۱۵
استناد به این مقاله: ملابراهیمی، عزت؛ کبیری، مبینا (۱۴۰۵) پداگوژی در ادبیات کودک مطالعه موردی داستان أنا و جمانه اثر محمود شقیر، پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب، (۱۸)، ص ۱۶۰-۱۸۳. doi

© نویسندگان

نوع مقاله: پژوهشی

<http://https://amozesharabi.cfu.ac.ir>

ناشر: دانشگاه فرهنگیان



مقدمه

داستان پیوندی ناگسستنی با روح انسان دارد. تنوع بسیار زیاد این نوع ادبی موجب گشته تقسیم‌بندی‌های مختلفی از این مقوله ارائه شود. این دسته‌بندی‌ها گاه بر اساس ظاهر و ساختار و گاه بر اساس محتوا و موضوع، صورت پذیرفته است. داستان تعلیمی گونه‌ای از انواع داستان‌هاست که در انتقال مفاهیم گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نقشی انکارناپذیر و تأثیرگذار بر خوانندگان دارد. تعمق در این داستان‌ها، مخاطب را در درک بهتر مفاهیم‌شان یاری می‌رساند و بررسی و نقد آن، سبب کشف روابط پنهانی در زیرساخت و لایه‌های پنهان آن می‌شود و محتوا و پیام داستان را بهتر نمایان می‌سازد. همان‌گونه که «استمرار و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که مجموعه باورها، ارزش‌ها، رفتارها، گرایش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های آن به نسل‌های جدید منتقل شود.» (مرادی قراقیه، ۱۴۰۳: ۳) داستان‌های تعلیمی برای انتقال فرهنگ و ارزش‌ها به کودکان اهمیتی مضاعف دارند.

محمود شقیر (متولد ۱۹۴۱) از نویسندگانی است که با فهم درست از مشکلات جامعه خود و ترسیم مناسب جنایات اشغالگران صهیونیست سعی دارد وجدان خاموش جوامع را بیدار نموده و روحیه مقاومت را در آنان برانگیزد. آثار او نقشی حیاتی و تعیین‌کننده در آگاهی‌بخشی به مردم و مبارزه آنان با استکبار ایفا نموده است. شقیر از نویسندگان برجسته فلسطینی در حوزه ادبیات کودکان است که آثار ارزشمندی را به‌ویژه در زمینه‌ی داستان‌های کودکان از خود به یادگار گذاشته است، داستان‌هایی که علاوه بر ویژگی سرگرمی، حاوی پند و محتوای آموزشی و تربیتی ارزشمندی هستند. او در این داستان با استفاده از پداگوژی و قالب بازی‌های کودکان، مفاهیم ارزشمندی را به شیوه غیرمستقیم به کودکان آموزش داده و آن‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهد که خودشان بتوانند آگاهانه میان خوب و بد تمایز قائل شوند و رفتارهایی درست و مناسب را انتخاب نمایند.

این پژوهش، نقش پداگوژی را در داستان «اُنا و جمانه» واکاوی می‌کند. این امر مهم است زیرا روایت داستان‌های کودکان با رویکرد پداگوژیک، افق‌های تازه‌ای را پیش روی مخاطب قرار می‌گشاید و اثر داستان را در توسعه و ترقی سطح آموزشی و تربیتی کودکان نمایان می‌سازد.

پرسش‌های تحقیق

نگارندگان این مقاله، داستان «اُنا و جمانه» را از منظر پداگوژی مورد واکاوی قرار داده و به نقد و بررسی آن پرداخته‌اند. پرسش‌های اصلی پژوهش به شرح زیر است:

١- نویسنده چگونه با بهره‌گیری از رویکرد پداگوژی (خصوصاً آموزش غیرمستقیم) مسائل اجتماعی و فرهنگی را در این داستان طرح و بازنمایی کرده است؟

٢- با تکیه بر اصول پداگوژی و رویکردهای تربیتی، روش نویسنده در بازنمایی آموزه‌های "ادب پایداری" در داستان، چگونه قابل تحلیل است؟

روش تحقیق

این مقاله، به صورت کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه و نقد داستان «أنا و جمانة» پرداخته‌است. در این روش، نویسندگان با گردآوری منابع مرتبط و تحلیل محتوای داستان، نحوه به‌کارگیری اصول پداگوژی در روایت و تأثیر آن بر آموزه‌های تربیتی را بررسی کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

پژوهشگران زیادی به نقد و بررسی داستان «أنا و جمانة» پرداخته‌اند. برخی مطالعات در این زمینه به ترتیب تاریخ انجام عبارت است از:

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی ادبیات تخیلی در آثار محمود شقیر مطالعه موردی داستان‌های کوتاه «قریة الحروف» و «النحلة الطیبة» و «أنا و جمانة»" با پژوهش مبینا کبیری در سال ١٤٠٣- دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران

هدف از انجام این پایان‌نامه، یافتن مؤلفه‌ها و شیوه‌های فانتزی‌سازی و به‌کارگیری عنصر خیال‌پردازی در این سه اثر محمود شقیر است. محقق با انجام این تحقیق قصد داشت میزان موفقیت محمود شقیر را در انتقال مفاهیم پایداری به کودکان را با بهره‌گیری از شگردهای تخیل و فانتزی‌سازی بررسی نماید. نتایج این پژوهش نشان داد که شقیر با زبانی کودکانه و جملات ساده و قابل فهم برای کودک، با به‌کارگیری برخی نمادهای فانتزی و استفاده از انواع کارکردهای تخیل به‌خوبی پیام و مقصود خود که همان (بیداری و صلح و وحدت) است را به مخاطب کودک خود انتقال داده و باعث تفکر پایدار و انسان‌محور کودکان شده و آن‌ها را در جهت رشد مناسب هدایت نموده است.

- مقاله «بنیة الشخیصة فی روایات محمود شقیر (روایات "أنا و جمانة" و "أحلام الفتی النحیل" نموذجاً)» به قلم عزت ملاابراهیمی و زهرا فاضلی - مجله الدراسات الثقافية واللغویة والفنیة، شماره ٢٩، سپتامبر ٢٠٢٣، مجلد ٧

هدف از انجام تحقیق، تحلیل ساختار شخصیت‌پردازی در دو اثر محمود شقیر («أنا و جمانه» و «أحلام الفتی النخیل») و بررسی چگونگی بازتاب ویژگی‌های روان‌شناختی و اجتماعی شخصیت‌ها در این داستان‌ها بوده است. نگارندگان در این مقاله به این نتیجه دست یافتند که شقیر با تکنیک‌های روایی و زبانی خاص، شخصیت‌هایی چندبعدی و عمیق خلق کرده که بازتاب‌دهنده مسائل هویتی، فرهنگی و اجتماعی جامعه فلسطین هستند. همچنین، تعامل شخصیت‌ها با فضای داستان، بیانگر مقاومت و پایداری در برابر شرایط سخت است.

- مقاله «کارکرد خواننده‌ی نهفته در پرورش قوه تخیل کودکان در داستان‌های کودک محمود شقیر بر پایه‌ی نظریه‌ی آیدن چمبرز (بررسی موردی: داستان کوتاه «أنا و جمانه»)» به قلم صلاح‌الدین عبدی و مریم معصومی - نقد ادب معاصر عربی، بهار و تابستان ۱۴۰۱، شماره ۲۲

هدف از انجام تحقیق بررسی نقش «خواننده نهفته» در داستان‌های کودکان محمود شقیر (با تمرکز بر داستان «أنا و جمانه») بر اساس نظریه آیدن چمبرز و تحلیل چگونگی تقویت تخیل کودک از طریق عناصر داستانی بوده و نتیجه یافته‌ها حاکی از آن است که شقیر با به‌کارگیری زبانی ساده و تصاویر جذاب، خواننده نهفته را به‌گونه‌ای هدایت می‌کند که کودک بتواند خود را با شخصیت‌ها و رویدادها همذات‌پنداری کند. این ویژگی، باعث تقویت خلاقیت و تخیل در مخاطب کودک می‌شود.

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "واکاوی خواننده‌ی نهفته در مجموعه داستان‌های کودک و نوجوان محمود شقیر بر پایه‌ی نظریه‌ی آیدن چمبرز (بررسی موردی مجموعه داستان‌های «أنا و جمانه» و «أحلام الفتی النخیل»)» با پژوهش مریم معصومی در سال ۱۳۹۸ - دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ارتش.

هدف تحقیق، تحلیل نقش خواننده نهفته در دو مجموعه داستان («أنا و جمانه» و «أحلام الفتی النخیل») بر اساس نظریه چمبرز و بررسی تأثیر این عنصر در جذب مخاطب کودک و نوجوان بوده و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شقیر با استفاده از روایان کودک‌نما و فضاسازی‌های متناسب با دنیای ذهنی کودکان، موفق به ایجاد ارتباط مؤثر با مخاطب شده است. همچنین، این داستان‌ها با بهره‌گیری از عناصر تعلیق و کنش‌گرایی، خواننده را به مشارکت فعال در فرآیند خوانش ترغیب می‌کنند.

- بررسی و تحلیل محتوایی مجموعه داستان «أنا و جمانه» محمود شقیر به قلم علیرضا شیخی و محسن محمدی - مجله ادبیات دفاع مقدس، بهار و تابستان ۱۳۹۷، شماره ۲

هدف تحقیق تحلیل محتوایی مجموعه داستان «أنا و جمانه» از منظر درون‌مایه‌ها، شخصیت‌پردازی و ارتباط آن با مسائل اجتماعی و سیاسی فلسطین بوده و این پژوهش به این نتیجه رسید که داستان‌های این مجموعه، با نگاهی انسانی و مقاومتی،

به بازتاب رنجه‌ها و آرزوهای مردم فلسطین می‌پردازند. همچنین، استفاده از نمادها و روایت‌های ساده اما عمیق، باعث شده این اثر هم برای کودکان جذاب باشد و هم برای بزرگسالان معنادار جلوه کند.

- بارقه‌های پایداری در مجموعه داستان‌ها و جمانه محمود شقیر به قلم علیرضا شیخی منتشر شده در پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مطالعات زبان در سال ۱۳۹۶

هدف تحقیق بررسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری در مجموعه داستان «أنا و جمانه» و تحلیل چگونگی بازتاب مفاهیم مقاومت و هویت در این اثر است و نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که شقیر در قالب داستان‌های کودکانه، مفاهیم عمیقی مانند مقاومت، امید و هویت فلسطینی را مطرح کرده است. استفاده از نمادهایی مانند طبیعت (درخت نخل) و روایت‌های روزمره با رویکردی مقاومتی، از ویژگی‌های بارز این مجموعه است.

با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده درباره آثار محمود شقیر معلوم می‌گردد در هیچ مقاله‌ی علمی-پژوهشی، داستان‌های این نویسنده از جنبه‌ی پداگوژی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. لذا این مقاله که در آن به داستان «أنا و جمانه» از جنبه‌ی پداگوژی پرداخته شده است، این خلأ موجود را پر نموده و از این رو پژوهش حاضر، مطالعه‌ای جدید درباره‌ی آثار محمود شقیر و نوآوری محسوب می‌گردد.

خلاصه داستان

"أنا و جمانه" روایت زندگی جواد و خواهرش جمانه، دو کودک فلسطینی است که سال‌های تبعید را به همراه پدرشان گذرانده‌اند و پس از بازگشت به وطن، خاطرات آن روزها را مرور می‌کنند. داستان بر محور بازی‌ها و گفت‌وگوهای کودکانه شکل گرفته است. شقیر از خلال گفت‌وگوها و بازی‌های کودکانه، جهان ذهنی و خیال‌پردازی‌های این دو کودک را بازمی‌آفریند؛ خیال‌هایی که گاه به شکل بستن ماه با طناب در برابر پنجره یا خلق رمز و شوخی‌های زبانی برای کنایه زدن به سربازان اشغالگر جلوه می‌کند. بازی‌های «بستن ماه در برابر پنجره و شوخی‌های زبانی با سربازان اشغالگر» (شقیر، ۲۰۰۱: ۲۲-۲۰) این بازی‌ها، در عین سادگی، حامل پیام‌های عمیق مقاومت، امید و عدالت‌خواهی و جلوه‌هایی از تخیل و مقاومت است که توسط کودکان داستان شکل گرفته است. جمانه در مسیر داستان، با رشد فکری خود، به این درک می‌رسد که ماه و روشنائی‌اش تنها متعلق به او نیست و باید آن را با دیگران قسمت کند؛ مفهومی که به صورت غیرمستقیم مفاهیمی نمادین چون احترام به حقوق دیگران، مسئولیت اجتماعی، همبستگی و پایداری را آموزش می‌دهند. حضور شخصیت‌هایی چون حاتم

– نوجوان مبارزی که کودکی خود را در سنگر مقاومت گذرانده – بُعدی واقعی و عینی به داستان می‌بخشد. محمود شقیر با زبانی ساده و تصاویر عاطفی، تجربه زیسته کودکان فلسطینی را در متن مبارزه و امید به تصویر می‌کشد.

این خلاصه بر پایه ترجمه فارسی مبینا کبیری از متن اصلی عربی داستان که در پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایشان (دانشگاه تهران، ۱۴۰۳) آمده، با برداشت آزاد بازنویسی شده و برای این مقاله علمی-پژوهشی تنظیم گردیده است.

چارچوب نظری

عبارت پداگوژی، اصطلاحی است که اساساً به شیوه‌های آموزش و تربیت دلالت دارد. «پداگوژی در لغت به مفهوم تعلیم و تربیت است. پداگوژی دارای قدمتی بس طولانی است چرا که گونه‌ی انسان برای انجام هر کاری نیاز به آموزش و تعلیم دارد» (میرباقری، ۱۳۹۵: ۳)

پداگوژی هنر و علم یاری رساندن به کودکان برای یادگیری است. برای تعلیم مفاهیم دشوار به کودکان اغلب از روش‌های داستان‌پردازی، بازی و نمایش استفاده می‌شود تا کودک این تعالیم را با سهل‌ترین، بهترین و ماندگارترین شیوه بیاموزد. «رویکرد پداگوژی به معنی هنر و علم تربیت کودکان است و به روش‌ها و مقدماتی اطلاق می‌گردد که برای تعلیم و تربیت خردسالان مورد استفاده قرار می‌گیرد.» (حبیبی اصل، ۱۴۰۰: ۸)

آموزش خصوصاً آنگاه که به حوزه‌ی تدریس کودکان برمی‌گردد ضرورت بهره‌گیری از پداگوژی را به‌عنوان ابزاری هنری و علمی برای بهسازی نیروی انسانی نمایان می‌سازد، به‌گونه‌ای که می‌توان پداگوژی را با هدایت نمودن و جهت‌دهی به کودکان در ارتباط دانست. «مفهومی که از آموزش و پرورش طی دوران گذشته مدنظر فلاسفه و مربیان تربیتی بوده، آموزش و پرورش به معنای پداگوژی بوده است. واژه پداگوژی از کلمه‌ی یونانی {Paid} به معنی کودک و {Agogus} به معنای رهبری کردن مشتق شده است؛ بنابراین پداگوژی به معنی {هنر و علم آموزش و} تدریس به کودکان است.» (زندوانیان نایینی، ۱۳۸۸: ۸۸)

پداگوژی را می‌توان رویکردی برای خلق فرصت‌های مناسب برای یادگیری کودکان به حساب آورد. «پداگوژی برخوردار از ربط فرهنگی، رویکردی در جهت دستیابی به یادگیری و دستاورد پذیرش و درک تفاوت‌های فرهنگی همراه با پیچیدگی‌های آن است؛ که با توجه به تفاوت‌ها و ورود پیشینه‌های متنوع و استفاده از آن‌ها در خلق فرصت‌های یادگیری این امر را محقق می‌سازد.» (ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۱)

در تعریفی کلی، یکی از دستاوردهای مهم پداگوژی را می‌توان ارائه‌ی الگویی برای اثربخشی فرآیندهای تعلیم و تربیت جستجو نمود. «در اثر پداگوژی لازم است که فرآیند تعلیم و تربیت به شکلی غیرمستقیم انجام شود و از نصیحت و موعظه‌های اخلاقی که اثر را تبدیل به درس‌های بی‌روح می‌کند و همچنین از بی‌تفاوتی هوس‌کارانه که تنها قصد سرگرم کردن مردم را دارد پرهیز شود» (میرباقری، ۱۳۹۵: ۵)

تربیت افرادی شایسته که قادر به پاسخگویی درخور به ضروریات عصر جدید باشند، نیازمند آن است که مبانی یاددهی و یادگیری بر اساس پداگوژی بازتنظیم شود. از این‌رو نظام آموزشی برای جواب دادن به اقتضات جامعه و ساختن نیروی انسانی متخصص، متفکر، متعهد و خلاق باید از پداگوژی به بهترین شیوه استفاده نماید. «یک قرن پیش دیویی فیلسوف تعلیم و تربیت که نظریه‌هایش زیربنای بسیاری از تحقیقات اندیشمندان، یادگیری عملی و اجتماعات کاری شد، بر این عقیده پافشاری کرد که هدف تعلیم و تربیت باید فراتر از توسعه دانش و مهارت باشد. او در کتاب دموکراسی و تعلیم و تربیت خاطر نشان می‌سازد که تعلیم و تربیت باید هم زندگی یک شخص و هم توانایی او را برای شکل‌گیری یک زندگی پر از معنا بهبود بخشد. مهارت‌های زندگی مانند خودآگاهی، کنجکاوی، تفکر خلاق، استدلال انتقادی و تحمل فکورانه می‌تواند به متخصصان و شاغلان به‌عنوان یک شهروند حرفه‌ای کمک کند تا به‌طور آگاهانه در جهت رفع نیازهای پیچیده جامعه گام بردارند. بر مبنای نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی، دستیابی به موفقیت تحصیلی بدون توجه به چشم‌انداز وسیع "یادگیری برای زندگی" هدفی توخالی است. تعلیم و تربیت می‌بایست فراگیران را برای زندگی پرمعنا و پرورش انسان‌هایی خردمند و دانا که عهده‌دار مسئولیت زندگی خود و جامعه مدنی هستند آماده کند.» (مرادی قراقیه، ۱۴۰۳: ۸)

یادگیری رفتاری، صرفاً یک نظریه مورد توجه اشخاص در امر آموزش نیست، چراکه رفتار انسان‌ها با اصول یادگیری آن‌ها و روش‌های آموزشی، رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. «آگاهی از فرآیند یادگیری نه‌تنها در فهم رفتار به‌هنگار و انطباقی به ما کمک می‌کند، بلکه امکان درک بیشتر شرایطی را که منجر به رفتار ناسازگار و ناهنجار می‌شود به ما می‌دهد. با شناخت اصول یادگیری درست و البته عمل به آن، می‌توان از تجارب یادگیری که به رفتار اجتماعی ناپسند در افراد می‌انجامد جلوگیری کرد. بین اصول یادگیری و روش‌های آموزشی رابطه‌ای نزدیک وجود دارد.» (باقری، ۱۳۸۹: ۹۹)

بسیاری از توانایی‌های مهم انسان در دوران کودکی او پرورش می‌یابد. اگر بگوییم که بخش مهمی از قدرت خلاقیت هر فرد از آغاز دوران کودکی‌اش شکل می‌گیرد سخن گزافی نگفته‌ایم. یادگیری، بخش مهم و محوری زندگی هر فرد را شکل می‌دهد. برای یادگیری نیاز حتمی به شرکت در دوره‌های مهارت‌آموزی و کلاس‌های آموزشی نیست زیرا حتی در اوقاتی که به فرآیند یادگیری فکر هم نمی‌کنیم و قصدی برای آن نداریم، پدیده یادگیری اتفاق می‌افتد. این امر اهمیت مسئله یادگیری و آموزش

از طریق رفتار، شنیدار، گفتار و مطالعه را به ما گوشزد می‌کند. بخش قابل توجهی از یادگیری از طریق مطالعه کتب داستان صورت می‌پذیرد. «کودک در حین بازی یاد می‌گیرد چطور با افراد، روابط اجتماعی برقرار کند و چگونه مشکلات ناشی از این روابط را حل نماید. کودک از طریق بازی‌های دسته‌جمعی مبتنی بر همکاری، تعامل با بزرگسالان را می‌آموزد. بازی کردن در خانه، پیوندهای محبت‌آمیز میان والدین و کودکان و میان خواهر و برادرها را تقویت می‌کند و منتهی به تطابق اجتماعی بهتر و محیط خانوادگی سالم‌تر می‌شود.» (احمدوند، ۱۳۷۲: ۱۴)

قدم اول در کار پداگوژی با کودکان این است که یک موضوع انتخاب شود و برای آن داستانی طراحی گردد. برای گروه سنی قبل از مدرسه، معمولاً موضوع می‌تواند ترس، محیط زیست، محبت یا نفرت و ... باشد. سپس باید یک داستان برای آغاز کار انتخاب شود. «پداگوژی در سطح جامعه به‌عنوان مهم‌ترین رکن زندگی انسان‌ها بی‌کار نمی‌نشیند و قابلیت آن را دارد که فعالیت خود را در تمام ارکان جامعه بگستراند. اهداف پداگوژی با مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، معضلات و مشکلات مردم یک جامعه سروکار دارد.» (باقری، ۱۳۸۹: ۱۰۲)

گاهی کودکان بازی گروهی را به بازی فردی ترجیح می‌دهند. تعامل نمودن با سایر افراد، از جمله مزیت‌های بازی جمعی است. بازی‌های دسته‌جمعی برای رشد ذهنی، عاطفی، اجتماعی و احساسی کودکان بسیار ضروری است. «کودک اولین بار از راه بازی‌های دسته‌جمعی به ارزش کودکان دیگری که بدون آن‌ها بازی مقدور نیست، پی می‌برد. به‌وسیله بازی آن‌ها یاد می‌گیرند چگونه یکدیگر را قبول داشته باشند، درباره قوانین بازی توافق کنند و دسته‌جمعی بر گروه رقیب پیروز شوند.» (احمدوند، ۱۳۷۲: ۴۱)

در ادبیات کودکان با استفاده از پداگوژی، می‌توان مفاهیمی سخت و دشوار همانند تعالیم اصول پایداری را به مخاطبان کوچک آموزش داد و آن‌ها را به راهکارهایی سازنده راهنمایی نمود. مفاهیمی همچون قبول مسئولیت اجتماعی و تعهدپذیری و انجام وظیفه در برابر کسانی که حق بر گردن انسان دارند از جمله تعالیمی است که درک آن برای کودک غامض و پیچیده است و پداگوژی می‌تواند در انتقال این مفاهیم به ذهن کودک کمک درخوری نماید. به لحاظ جامعه‌شناختی کودک به کسی اطلاق می‌گردد که مسئولیت اجتماعی، تعهد و وظیفه‌ای بر عهده او نیست. «کودک به کسی می‌توان اطلاق کرد که وظیفه اجتماعی بر دوش ندارد، کودک تا زمانی کودک است که موظف نیست» (شاه‌آبادی، ۱۳۸۲: ۳۳)

بحث و بررسی داستان

داستان «أنا و جمانة» در سال ۲۰۰۰ برای رده سنی کودک و نوجوان نوشته شده است. شقیر در ابتدای روایت خود، با برگزیدن عنوان "أنا و جمانة" روایة للفتیات والفتیان " بر این موضوع تصریح می‌کند. نویسنده در این داستان شمایل نمایانی از وضعیت کودکان و نوجوانان فلسطینی و نحوه رودرروئی آنان را با اشخاص دیگر جامعه ارائه می‌نماید. او ترسیم می‌کند چگونه فرزندان فلسطینی، با بازی‌ها، رویاها و تخیلات‌شان، به دنبال شیوه‌ای برای ساماندهی پریشانی‌های زندگی و حل مسائل خود هستند؟

شقیر در بخش‌هایی از این داستان به بازی کودکان و نوجوانان فلسطینی می‌پردازد. او نشان می‌دهد که آنان از طریق بازی برای مبارزه آماده می‌شوند. بازی بخشی جدانشدنی از زندگی افراد در سنین پایین است و یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین فعالیت‌های افراد در این سنین به شمار می‌رود. اغلب تمرین‌هایی که کودکان و نوجوانان انجام می‌دهند و آموزش‌هایی که فرا می‌گیرند در قالب بازی است. بازی «در عین سرگرم کردن کودک، کارکردهای مهم دیگری را داراست و هر یک از این کارکردها به جنبه‌ای از زندگی کودک مربوط می‌شوند که او را برای ورود به زندگی بزرگسالی آماده می‌سازند.» (نبوی، ۱۳۹۰: ۵۳)

انتخاب نوع بازی توسط افراد به عوامل مختلفی بستگی دارد. تفاوت‌های فردی، سطح رشد جسمی و حرکتی و میزان سلامتی، خلاقیت و بهره‌هوشی، جنسیت، شرایط و موقعیت فرهنگی و جغرافیایی، میزان رشد فرهنگی و اجتماعی خانواده و عواملی از این دست می‌تواند بر انتخاب نوع بازی مؤثر باشد. «بازی‌هایی که معمولاً کودکان برای سرگرم شدن انتخاب می‌کنند، به اقتضای سن، جنسیت، شرایط و محیط زندگی‌شان می‌تواند گزینش شده و متفاوت باشد. به‌عنوان مثال دخترچه‌ها معمولاً بازی با عروسک را انتخاب می‌کنند، چون از این طریق قادرند احساس مادرانه‌ای را نسبت به آن عروسک، در خیال خود پرورش دهند. دختران در این بازی عروسک‌شان را نوازش می‌کنند، به او غذا می‌دهند، برایش لالایی می‌خوانند و هر آنچه مادران در دنیای واقعی برای فرزندانشان انجام می‌دهند را شبیه‌سازی می‌نمایند، زیرا آن‌ها با انجام این بازی، قصد دارند برای عروسک خود مادری کنند. پسرچه‌ها هم در بازی‌های تخیلی‌شان، نقش‌های مردانه را تمرین می‌کنند. در تمام این موارد، کودکان به‌طور غریزی نقش‌هایی را می‌پذیرند که قرار است در آینده بر عهده بگیرند.» (کبیری، ۱۴۰۳: ۷۷)

برخی از کودکان و نوجوانان بازی‌های جسمی را به‌صورت فردی یا گروهی برمی‌گزینند، این امر می‌تواند برای تخلیه انرژی اضافی بدن‌شان و رهایی از رفتارهای ناآرام و پرخاشگرانه‌ی توأم با عصبانیت در آنان مفید باشد. عده دیگری از کودکان به انجام بازی‌های تقلیدی و نمایشی تمایل دارند و به تقلید از شخصیت‌های محبوب‌شان به ایفای نقش می‌پردازند. عده‌ای به بازی‌های نمادین علاقه نشان داده و خیالات و آرزوهای خود را با استفاده از ابزار نمادین در بازی پیاده می‌سازند. با آنکه کودکان بنا بر

مقتضیات جنسیت، شخصیت و فراخور سنشان، گونه‌های مختلفی از بازی‌های کودکان را انتخاب می‌کنند اما در این میان، بازی‌های آمیخته با تخیل، نقش درخور توجهی را به خود اختصاص می‌دهند. «یکی از موضوعات مهم روانشناختی که انعکاسی هم هستند، فانتزی‌هایی است که در آن‌ها تخیل بازی‌گون نقش اصلی را دارد. دنیای رؤیایی که کودکان برای خود می‌سازند و درون آن غرق می‌شوند.» (آقامحمدی، ۱۴۰۰: ۲۵)

- بازی "حبس ماه":

بازی حبس ماه را می‌توان در زمره بازی‌هایی قرار داد که مخاطبان پیش از خواندن این داستان، نامی از آن نشنیده‌اند و شقیر با ابتکار و خلاقیت خود آن را ابداع کرده است تا برخی مفاهیم تربیتی را ضمن طرح آن آموزش دهد. جمانه که می‌خواهد اجازه ندهد نور و روشنائی، زندگی‌شان را ترک نماید با ریسمانی، ماه را در مقابل پنجره خانه‌شان حبس می‌کند. «نَقْفُ قُرْبِ النافذة، نَرَقِبُ الْقَمَرَ الْمُطَلَّ عَلَيْنَا مِنْ فَوْقِ أَحْيَاءِ الْمَدِينَةِ، تَبَادُرُ جَمَانَةُ إِلَى مِمَارَسَةِ لَعِبَتِهَا الْمُحِبَّبَةِ وَ هِيَ رَبْطُ الْقَمَرِ، تَرْبِطُهُ بِحَبْلِ طَوِيلٍ كِي لَا يَغَادِرَ النَافِذَةَ.» (شقیر، ۲۰۰۱: ۶)

این بازی خلاقانه نوعی منحصر به فرد از معدود بازی‌های ابتکاری است که جمانه به آن گرایش نشان می‌دهد. «شقیر در بخشی از داستان به بازی خاصی اشاره می‌کند که جواد و جمانه در دوران تبعیدشان در الجزائر وقت‌شان را با آن می‌گذرانند و شب‌ها خود را با آن سرگرم می‌کنند. تجربه سال‌ها زندگی در تبعید، نوع بازی این دو کودک را به سمت و سوی دیگری سوق داده است. جواد تعریف می‌کند: من و جمانه نزدیک پنجره می‌ایستیم و ماه را از بالای محله‌های شهر تماشا می‌کنیم. جمانه بازی مورد علاقه خود را شروع می‌کند. او ماه را با طنابی بلند می‌بندد و اجازه نمی‌دهد ماه از مقلبل پنجره عبور کند.» (کبیری، ۱۴۰۳: ۷۷)

این بازی خاص برای جواد و جمانه که سال‌هاست درد غربت و آوارگی را تجربه می‌کنند، صرفاً یک بازی کودکانه برای سرگرم شدن و وقت گذراندن نیست بلکه آن‌ها خواسته یا ناخواسته با این کار اعتراض‌شان را به وضع موجود فریاد می‌زنند. در واقع شقیر با طرح این بازی، از آن به‌عنوان ابزار یادگیری استفاده می‌کند. بازی‌هایی مانند "حبس ماه" یا "بازی زبانی" نه تنها سرگرم‌کننده‌اند، بلکه حامل پیام‌های تربیتی عمیقی هستند. «جمانه در خیال خود، ماه را که مظهر روشنائی و نورگستری شبانه است، در پشت پنجره خانه‌شان محبوس نگاه می‌دارد و اجازه عبور کردن ماه را از جلوی پنجره نمی‌دهد. گویا او با انجام این کار می‌خواهد در دل تاریک شب، با ماه درد دل کند و ماه برای او حکم سنگ صبور می‌دهد. گویا او با انجام خود این امکان را به او می‌دهد که ناراحتی‌های انباشته در درونش را به بهترین شکل تخلیه نماید. به تعبیری دیگر، شاید در

تصور و خیال کودكانه‌اش می‌پندارد اگر اجازه دهد ماه از مقابل پنجره اتاقش عبور نماید، ظلمت و تاریکی مجدداً بر فضای خانه‌شان حکمفرما می‌شود.» (کبیری، ۱۴۰۳: ۷۷)

به اعتقاد محققان بازی علاوه بر اینکه لذت‌بخش‌ترین فعالیت برای کودکان است، ساده‌ترین راه برای یادگیری آن‌ها هم هست. کودکان تفاوتی میان یادگیری و بازی کردن قائل نیستند. تا زمانی که آن‌ها به انجام کاری مشغول هستند که از آن لذت می‌برند، تمامی آموزش‌ها را به سادگی می‌پذیرند. «با بازی کردن، بدون اینکه قصد یادگیری داشته باشیم، یاد می‌گیریم. (به وسیله بازی، حتی بدون اینکه اراده و قصد داده‌ی به کودک داشته باشیم، به او آموزش می‌دهیم) این لذت از بازی است که به نشاط و لذت بعد از یادگیری تبدیل می‌شود. به بیان دیگر، نشاط و لذتی که از یادگیری احساس می‌کنیم، از لذت بازی نشأت می‌گیرد.» (پلیسر لویز، ۱۳۷۹: ۴۰)

گویی جواد و جمانه با انجام این بازی، به دنبال راهی برای برون‌رفت از وضعیت تیره‌وتار حاکم بر سرنوشت خود هستند. تیرگی و ظلمت شب آن‌ها را به یاد تاریکی مسلط بر زندگی‌شان می‌اندازد. آنان با قرار گرفتن در این تاریکی، در خاطر خود به یاد ظلم‌ها و ستم‌هایی می‌افتند که بر آنان رفته است. از همین رو است که آن‌ها با تصور کودكانه‌شان می‌پندارند با بستن ماه و حبس کردن آن در جلوی پنجره خانه‌شان می‌توانند نور رخت‌بر بسته از زندگی‌شان را برای مدت‌زمانی ولو اندک (حداقل تا سپیده‌دم) به زندگی خود بازگردانند. «این بازی خیالی، جمانه را از کودکان همسن و سال خود، بزرگتر نشان می‌دهد. گویی او از آنان بیشتر می‌فهمد. سطح بازی‌های خیالی او از بازی با عروسک و آنچه مقتضای سن شناسنامه‌ای اوست، فراتر می‌رود. بازی‌های فانتزی او به اقتضای تجربیات و شرایط دشوار روحی و محیطی‌اش بسیار بلند پروازانه و باشکوه است. جمانه در خیال خود، ماه را با طناب بلندی می‌بندد و سر دیگر طناب را در دستان خود نگاه می‌دارد تا مانع عبور نمودن ماه از مقابل پنجره اتاقش شود. گویا با این کار ماه را به تسخیر خویش درآورده است.» (کبیری، ۱۴۰۳: ۷۸)

– رها کردن بازی "حبس ماه"!

شقیقیر با طرح نمودن موضوع ترک عادت جمانه و کنار گذاشتن این بازی توسط او، به زیبایی مفهوم عدالت را به کودکان آموزش می‌دهد. سال‌ها بعد که جمانه و جواد از تبعید الجزائر به زادگاه خود برگشته‌اند، جواد متوجه می‌شود مدت‌هاست جمانه از حبس ماه در جلوی پنجره‌ی خانه و انجام بازی مورد علاقه‌اش دست کشیده است. «وجدتُ الفرصةَ سانحةً، للخروج من الصمت للذی امتدَّ بینی و بین جملنة، قلت لها: منذ زمنٍ طویل، لم تربطی القمرَ كما كنتِ تفعلین، ونحن فی الجزائر» (شقیقیر، ۲۰۰۱:

(۷۳)

جواد علت این امر را از جمانه جویا می‌شود. او این ماجرا را به این صورت نقل می‌کند: «فرستی پیدا کردم تا سکوتی که بین من و جمانه حاکم شده بود را بشکنم و از آن فضا بیرون بیایم. به او گفتم: خیلی وقته که مانند قبل، ماه رو نبستی. مثل همان زمانی که ما در الجزایر بودیم. در حالی که با محبت و مهربانی به ماه خیره شده بود گفت: اون موقع رفتارم خودخواهانه بود و می‌ترسم ماه هنوز به خاطر این رفتار، با من قهر بوده و از دستم عصبانی باشه. گفتم چرا عصبانی باشه؟ (چون) آن را می‌بستی؟ و مانع نگاه کردنش به خانه‌ها، خیابان‌ها و درختان می‌شدی؟ چند لحظه سکوت کرد و بعد گفت: ماه تنها برای ما نیست، برای همه‌ی مردم است. تصور کن یک روز غروب، دختری غمگین در اتاقش نشسته و منتظر است که ماه ظاهر شود تا غم‌هایش را با او در میان بگذارد (و با ماه درددل کند)، اما ماه به او نگاه نمی‌کند، زیرا دختری دیگر (جمانه) آن را بسته است و ماه از پنجره‌ی اتاق آن دختر تا صبح رد نمی‌شود. دختری که منتظر ماه است تمام شب غمگین خواهد بود. آیا این خودخواهی و بد رفتاری نیست؟» (کبیری، ۱۴۰۳: ۷۹)

شقیر با طرح دقیق این بازی (حبس ماه و بعدها رها کردن آن) به‌طور غیرمستقیم و از زبان جمانه اهمیت توجه به احساسات دیگران و احترام به حقوق آنان را به کودکان و نوجوانان می‌آموزد و آن را به‌عنوان فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی مردمان رنج‌دیده‌ی فلسطینی به تصویر می‌کشد. «أعمال و اخلاق خوب و بد، احترام به حقوق دیگران، تفسیر صحیح و غلط از اموری مانند آزادی، عفت و پایبندی به ارزش‌های دینی و اجتماعی و ... همه و همه به فرهنگ یک جامعه وابسته است» (مرادی قراقیه، ۱۴۰۳: ۸)

- بازی زبانی:

کودکان و نوجوانان در طی مسیر رشد و کمال خود، نیاز دارند اصول اخلاقی و اجتماعی را به‌خوبی درک نموده و بیاموزند، عدالت یکی از اساسی‌ترین این اصول و بنیادی‌ترین آنهاست. آنگاه که کودکان و نوجوانان مفهوم عدالت را یاد می‌گیرند، می‌آموزند که چگونه به حقوق دیگران احترام بگذارند. این درک، به آنان کمک می‌کند تا تصمیم‌گیری‌های صحیحی داشته باشند و رفتارهای عادلانه‌ای از خود نشان دهند و در مواجهه با ناعدالتی‌ها واکنش مسئولانه‌ای از خود بروز دهند. علاوه بر این، آموزش عدالت از همان کودکی و نوجوانی، به تقویت حس همدلی و انصاف در کودکان و نوجوانان کمک نموده و آن‌ها را به افرادی تبدیل می‌کند که در آینده می‌توانند جامعه‌ای عادل‌تر و هماهنگ‌تر بسازند. خوب بودن عدالت را همه می‌پذیرند؛ به‌گونه‌ای که کسی را نمی‌توان یافت که مطلوب بودن آن را انکار کند. انسان از راه کسب این فضیلت که یکی از بزرگ‌ترین فضیلت‌هاست، می‌تواند به سعادت برسد. «کودکان معمولاً علاقه‌مند به هیجان و موضوعاتی چون عدالت و ... هستند. در واقع کودکان خیلی بهتر با موضوعاتی که ما آن‌ها را کلیشه می‌نامیم ارتباط برقرار می‌کنند.» (باقری، ۱۳۸۹: ۹۸)

عدالت، یکی از آموزه‌های بسیار ارزشمند در حوزه تعلیم و تربیت است که از پیچیدگی خاصی هم برخوردار است. این مفهوم خصوصاً در عصر حاضر با عنایت زیادی مواجه شده است. یکی از بهترین روش‌ها برای آموزش این مفهوم به کودکان و تربیت آنان، بهره‌گیری از پداگوژی و سبک‌های مختلف بازی است. «تربیت از نظر دورکیم، عمل نسل‌های بزرگسال است بر روی نسل‌هایی که هنوز برای زندگانی اجتماعی پخته نشده‌اند و هدف این است که در کودک، شماری از حالات جسمانی و عقلانی و اخلاقی را برانگیزد و پرورش دهد که جامعه سیاسی و نیز محیط ویژه‌ای اقتضاء می‌کند که فرد به نحو خاصی برای آن‌ها آماده می‌شود.» (کاردان، ۱۳۸۱: ۲۰۴)

شقییر در بخشی دیگر از داستان، به یک نوع بازی خاص، یعنی «بازی زبانی» اشاره می‌کند که فقط برای این کودکان و نوجوانان که انجام‌دهندگان این بازی هستند، مفهوم دارد و برای سایرین بدون معنا به نظر می‌رسد. کودکان و نوجوانان این داستان نقشه‌ی اخراج غاصبین و اشغالگران اسرائیلی از سرزمین فلسطین و کوچ اجباری آن‌ها به اوگاندا را در سر می‌پروراندند. آن‌ها این موضوع را به صورت یک راز در میان خود نگاه داشته بودند و هر وقت به سربازان اسرائیلی می‌رسیدند به آن‌ها کنایه می‌زدند و از اینکار لذت می‌بردند. «من در این فرصتی که می‌یابم بازی‌های زبانی خود را بدون احتیاط انجام می‌دهم. گاهی این بازی‌های زبانی را به تنهایی انجام می‌دهم و گاهی با جملنه، برای مثال، من وقتی به همراه حاتم به حومه رام‌الله می‌روم، نزدیک سربازان اشغالگر مستقر در آنجا با لذت فراوان زمزمه می‌کنم: سربازان، به زودی شما را در اوگاندا می‌بینیم.» (شقییر، ۲۰۰۱: ۲۰)

این بازی کاملاً ذهنی و خیالی است، سربازان اسرائیلی از شنیدن این جملات از زبان کودکان و نوجوانان فلسطینی معنا و مفهوم خاصی را ادراک نمی‌نمایند، اما این امر برای این کودکان و نوجوانان گرچه یک بازی لذت‌بخش تلقی می‌شود، اما در واقع مقدمه‌ای برای مبارزه‌ی واقعی و جدی با سربازان اسرائیلی به شمار می‌رود. آنان چون از قدرت لازم برای نبرد عملی و جسمانی با دشمن غاصب و ظالم برخوردار نیستند، خشم و نفرت خود را در قالب کلمات و به صورت بازی زبانی و با کنایه ابراز می‌نمایند. به مرور شجاعت و آزادگی کودکان و نوجوانان فلسطینی به آنان اجازه نمی‌دهد مبارزه با اشغالگران را در حد و اندازه بازی کلامی نگاه دارند. بازی آن‌ها از محدوده‌ی نبرد با زبان خارج می‌گردد و جنبه‌ی عملی، فیزیکی و مبارزه‌ای جدی پیدا می‌کند. پرتاب سنگ به سوی سربازان اسرائیلی، برای آنان هم جنبه بازی و سرگرمی دارد و هم جنبه مبارزه تمام عیار با ظلم و ستمی که در طول سالیان متمادی بر آنان رفته است.

– پرتاب سنگ:

شقیر در بیان روایت‌هایی از ماجرای «حاتم» نشان می‌دهد که پدیده‌ی پرتاب سنگ توسط کودکان فلسطینی، فقط یک حرکت نمادین یا تاکتیک دفاعی نیست، بلکه در بسیاری مواقع برای آن‌ها به بخشی از زندگی روزمره و حتی به «بازی» تبدیل شده است. حاتم - پسر بچه‌ای سیزده‌ساله - به جای تجربه بازی‌های متداول کودکی، درگیر واقعیت سخت زندگی تحت اشغال می‌شود. او تعریف می‌کند که چطور در سال‌های انتفاضه همراه بچه‌های بزرگ‌تر به سمت سربازان سنگ پرتاب کرده، در معرض گاز اشک‌آور بوده و پشت موانع سنگر می‌گرفته است. برای او، این فعالیت‌ها به نوعی جایگزین بازی‌های کودکانه شده‌اند؛ بازی‌ای که در آن خطر واقعی وجود دارد و مرز میان «بازی» و «مبارزه» از بین رفته است.

از دید روان‌شناسی، وقتی کودکان در محیط‌های پرتنش و خشونت‌آمیز بزرگ می‌شوند، بخشی از فعالیت‌های جدی و خطرناک را در قالب بازی، بازسازی می‌کنند. این کار به آن‌ها کمک می‌کند با ترس مقابله کنند، حس کنترل پیدا کنند و در جمع همسالان جایگاه اجتماعی به دست آورند. پرتاب سنگ، در این فضا، هم یک «کنش سیاسی» است و هم یک «بازی گروهی» که مهارت، شجاعت و تعلق به جمع را نشان می‌دهد.

از منظر جامعه‌شناسی، این پدیده را می‌توان واکنشی فرهنگی به محدودیت‌ها و سرکوب دانست. سنگ، به‌عنوان ابتدایی‌ترین «سلاح»، برای کودکان فقط ابزار آسیب رساندن بلکه نماد مقاومت و هویت است. وقتی بزرگ‌ترها درباره خاطرات سنگ‌پراکنی با افتخار حرف می‌زنند، این رفتار به بخشی از حافظه جمعی و «فرهنگ بازی» کودکان بدل می‌شود.

شقیر این موضوع را در داستان، با وصف شجاعت‌های پسرعموی جواد و جمانه تشریح می‌کند. «حاتم پسر عموی من است، من خیلی به او احترام می‌گذارم و ای کاش می‌توانستم مثل او شجاع باشم! از زمانی که به کشور برگشتیم، حاتم ما را ترک نکرد، نه من و نه جمانه را. بیشتر اوقات با ما راه می‌رود، با ما قدم می‌زند و با ما بازی می‌کند. حاتم تأکید می‌کند که با وجود سن کم یکی از فعالان قیام بوده است و گاهی با وام گرفتن برخی از سخنان رسانه‌ای و خبرنگاران تلویزیونی به ما می‌گوید: من از کودکی درگیر مبارزه بودم. او سیزده ساله است، قد بلند، سیاه پوست. دوران کودکی خود را درست نگذراند و این تنها نظر من نیست، بلکه از معلم تاریخ هم شنیدم که می‌گفت بچه‌های فلسطین به خاطر اشغال، دوران کودکی خود را درست نگذرانده‌اند. حاتم هم البته یکی از همین فرزندان فلسطینی است که دوران کودکی خود را به‌درستی سپری نکرده است. ماجراها و داستان‌های او با سربازان اشغالگر این موضوع را تأیید می‌کند. معلمش در این مورد گفت: حاتم دوران کودکی خود را سپری نکرد، زیرا به جای اینکه به بازی برود و به آن مشغول شود، از زمانی که خودش را پیدا کرد مجبور به جنگ با سربازان با سنگ شد. بازی مورد علاقه او پرتاب سنگ به سوی سربازان اسرائیلی، استشمام بوی گاز اشک‌آور و پنهان شدن در پشت سنگرها برای فرار از گلوله تفنگ بود.» (شقیر، ۲۰۰۱: صص ۱۶-۱۹)

كودكان و نوجوانان فلسطینی كه از ظلم و اشغالگری به ستوه آمده‌اند، در سایه تربیت تعلیم دینی، بازی‌هایشان را با مبارزه و حق طلبی درآمیخته‌اند. اولین قدم برای حق طلبی، كسب آگاهی است. حق طلبی همانند گلی است كه روی شاخه‌ی آگاهی غنچه می‌دهد. «در یادگیری، انتقال پذیری آگاهی می‌تواند انسان را نفوذناپذیر سازد و او را وامی‌دارد تا عدم همبستگی با محیط را به پیوندی نسبتاً كامل تبدیل كند.» (میرگل، ١٤٠٢: ١٢٨)

- نقش پداگوژی:

از دیرباز تاکنون آموزش و تعلیم به دو طریق مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌شده است. در روش غیرمستقیم معمولاً مفاهیم از طریق بازی، کنایات و اشارات به فراگیران انتقال داده می‌شود. برای انتقال مفاهیم ادب تعلیمی بهترین شیوه، آموزش غیر مستقیم است. ارزش و اهمیت درخور توجه و علاوه بر آن دشواری آموزش و تعلیم این مقوله، به حدی است كه باید برای فهماندن آن اولاً ظرافت و لطافت‌های وجودی و حساسیت روح افراد در سنین پایین مدنظر قرار داده شود و ثانیاً بیشترین تأثیر را در كودكان و نوجوانان ایجاد نمود. چه بسا بهترین روش آموزش معانی دشوار، داستان و بازی و نمایش است. مطالبه‌ی حق، یکی از مهم‌ترین درس‌هایی است كه شقیر در این داستان در قالب بازی كودكان و نوجوانان و با استفاده از پداگوژی به آن پرداخته است. پداگوژی در این داستان به صورت هنرمندانه‌ای برای انتقال مفاهیم پیچیده به كودكان به كار رفته است.

*یادگیری از طریق تجربه: كودكان و نوجوانان در همراهی با شخصیت‌ها، مفاهیم را در عمل می‌آموزند.

*تخیل و همذات‌پنداری: خوانشگران با شخصیت‌ها و رویدادهای داستان ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند كه این امر یادگیری را تسهیل می‌كند.

*تقویت تفكر انتقادی: داستان، مخاطبان را به تأمل درباره مسائل اجتماعی و سیاسی تشویق می‌كند.

*تلفیق آموزش و سرگرمی: مفاهیم آموزشی در قالب بازی و تخیل ارائه می‌شوند كه باعث ماندگاری بیشتر آن‌ها در ذهن كودك و نوجوان می‌گردد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که داستان «اُنا و جمانه» اثر محمود شقیر با بهره‌گیری از پداگوژی نهفته در بازی‌های کودکان، توانسته است مفاهیم استقامت و پایداری، همکاری، هویت فرهنگی و احترام به حقوق دیگران را به شکلی غیرمستقیم و جذاب به مخاطب منتقل کند. تحلیل عناصر داستان — از بازی حبس کردن ماه و پرتاب سنگ به سوی اشغالگران گرفته تا گفت‌وگوهای نمادین و رمزی میان کودکان و کنایه‌زدن به سربازان دشمن — آشکار ساخت که نویسنده از راهبردهای ساده اما هدفمند آموزشی بهره می‌گیرد؛ راهبردهایی که بدون تحمیل مستقیم پیام، حس کنجکاوی، تخیل و یادگیری فعال را در کودک و نوجوان برمی‌انگیزند.

یافته‌ها بیانگر آن است که ترکیب بازی و روایت، به‌ویژه زمانی که بر بستر فرهنگ بومی و نمادهای آشنا شکل گیرد، نه تنها در انتقال ارزش‌ها و مهارت‌های اجتماعی مؤثر است، بلکه به حفظ هویت فرهنگی و تقویت پیوند نسل جدید با میراث خود نیز کمک می‌کند. از این رو، تجربه‌ی محمود شقیر می‌تواند الگویی الهام‌بخش برای نویسندگان کودک، مربیان و برنامه‌ریزان آموزشی باشد تا با طراحی فعالیت‌ها و داستان‌هایی مشابه، یادگیری معنادار و پایدار را در قالبی لذت‌بخش و غیرمستقیم به کودکان ارائه کنند.

منابع

کتاب:

احمدوند، محمدعلی، (۱۳۷۲)، روانشناسی بازی، تدوین توسط عیسی ابراهیم‌زاده، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور

شاه‌آبادی، حمیدرضا، (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر ادبیات کودک (بحثی در شناخت مفهوم دوران کودکی)، چاپ اول، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

شقیر، محمود، (۲۰۰۱)، انا و جمانه: روایة للفتیات والفتیان، فلسطین، رام‌الله، مرکز أُو غاریت الثقافی للنشر والترجمة

کاردان، علیمحمد، (۱۳۸۱)، سیر آرای تربیتی در غرب، چاپ ۱۳، تهران، سمت

پایان نامه:

ابراهیمی، زینب، (۱۳۹۸)، تدوین و اعتباریابی الگوی کارآمدی فرهنگی معلمان دورانی ابتدایی مبتنی بر پداگوژی برخوردار از ربط فرهنگی و طراحی برنامه آموزشی برمبنای آن، رساله دکترا، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، رشته برنامه‌ریزی درسی

آقامحمدی، نرگس، (۱۴۰۰)، بررسی فانتزی در ادبیات کودک و نوجوان با تکیه بر داستان‌های فانتاستیک مدرن هفت نویسنده‌ی منتخب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اراک، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، گروه زبان و ادبیات فارسی
 باقری، مهلقا، (۱۳۸۹)، تئاتر پداگوژی در آموزش و پرورش ایران، پروژه عملی: کارگردانی نمایش آهسته با گل سرخ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، رشته کارگردانی، دانشکده هنر و معماری

حبیبی اصل، پرویز، (۱۴۰۰)، بررسی راهکارهای توسعه دانش حرفه‌ای معلمان حق‌التدریس شهرستان بهمنی با تکیه بر رویکردهای هیوگوتازی، سینرگوژی، آندرگوژی و پداگوژی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور شیراز، رشته علوم تربیتی، گرایش آموزش و بهسازی منابع انسانی

کبیری، مبینا، (۱۴۰۳)، بررسی ادبیات تخیلی در آثار محمود شقیر، مطالعه موردی داستان‌های کوتاه "النحلة الطیبة" و "قریة الحروف" و داستان "أنا و جمانة"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

مرادی قراقیه، امید، (۱۴۰۳)، ارائه الگوی برنامه درسی مبتنی بر پداگوژی ۲ برای نظام آموزش عمومی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز پردیس، رشته علوم تربیتی، گرایش برنامه درسی

میرباقری، افسلانه السادات، (۱۳۹۵)، نقش تئاتر پداگوژی در طرح مسأله اجتماعی (مورد مطالعه: نمایش هم‌تون منو میشناسین) پروژه عملی: کارگردانی نمایش (این جا جای تو نیست)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، رشته کارگردانی

نبوی، سید محسن، (۱۳۹۰)، جایگاه تئاتر تعلیمی تربیتی (پداگوژی) در جلوگیری از زوال دوران کودکی در عصر رسانه‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری.

مجلات:

پلیسر لویز، کارلوس، (۱۳۷۹)، «شعر بازی، شعر بازی»، ترجمه ناهید معتمدی، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲۳، صص ۳۹-۴۲

- زندوانیان نائینی، احمد، (۱۳۸۸)، «ضرورت تأسیس رشته فلسفه آموزش بزرگسالان به عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای در مقطع کارشناسی ارشد در زیرمجموعه علوم تربیتی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، دوره دوم، شماره ۱، صص ۸۷-۱۱۷
- میرگل، احمد، زهره سعادت‌مند و نرگس کشتی‌آرای، (۱۴۰۱)، «واکاوی گفتمان یادگیری در پداگوژی انتقادی با تأکید بر آراء پائولو فریره»، نشریه علمی پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ایران، تهران، دوره ۱۹، شماره ۱، پیاپی ۳۵، صص ۱۱۷-۱۴۲

References

- Aghamohammadi, Narges, (۱۴۰۰), "A Study of Fantasy in Children's and Adolescent Literature Based on Modern Fantastic Stories of Seven Selected Authors", Master's Thesis, Arak University, Faculty of Literature and Foreign Languages, Department of Persian Language and Literature
- Ahmadvand, Mohammad Ali, (۱۹۹۳), "Psychology of Games", first edition, edited by Issa Ebrahimzadeh. Payam Noor University Printing and Publishing Center, Tehran

Bagheri, Mahlegha, (٢٠١٠), "Pedagogical Theater in Iranian Education, Practical Project: Directing a Slow Play with Roses", Master's Thesis, Directing, Tarbiat Modares University, Faculty of Art and Architecture

Ebrahimi, Zeinab, (٢٠١٩), "Developing and validating a model of cultural effectiveness for elementary school teachers based on culturally relevant pedagogy and designing a training program based on it", PhD thesis, Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities, Curriculum Planning

Habibi Asl, Parviz, (١٤٠٠), "Investigating the professional knowledge development strategies of teachers in Bahmai County based on hygotagy, synergogy, andragogy and pedagogy approaches", Master's thesis, Educational Sciences, Human Resources Education and Improvement, Payam Noor University of Shiraz

Kabiri, Mobina, (١٤٠٣), "A Study of Fictional Literature in the Works of Mahmoud Shuqair, Case Study of the Short Stories "Al-Nahlat-Tayiba" and "Qaryat-ul-Huruf" and the Novel "Ana wa Jumana", Master's Thesis, University of Tehran.

Kardan, Ali Mohammad (٢٠٠٢), Evolution of Educational Thoughts in the West, Tehran: Samt, ١٣th edition.

Mirbagheri, Afsaneh Al-Sadat, (٢٠١٦), "The Role of Pedagogical Theater in Addressing Social Issues (Case Study: The Play You All Know Me) Practical Project: Directing the Play (This Is Your Place)", Master's Thesis in Directing, Tarbiat Modares University, Faculty of Art and Architecture

Mirgol, Ahmad, Zohreh Saadatmand and Narges Keshtaray, (۱۴۰۱), "Analysis of Learning Discourse in Critical Pedagogy with Emphasis on Paulo Freire's Thoughts", Scientific Journal of Teaching and Learning Research, Volume ۱۹, Issue ۱, Serial ۳۵, pp. ۱۴۲-۱۱۷

Moradi Qaraqieh, Omid, (۱۴۰۳), "Presenting a Curriculum Model Based on Pedagogy for the Iranian Public Education System", Payam Noor University, Campus Center, Master's Thesis, Educational Sciences, Curriculum Orientation

Nabavi, Seyed Mohsen, (۲۰۱۱), "The Place of Educational Theater (Pedagogy) in Preventing the Decline of Childhood in the Media Age", Master's Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch - Faculty of Art and Architecture.

Plecer Lopez, Carlos, (۱۹۹۰), "Poetry, Poetry of Play", translated by Nahid Motamedi, Children's and Adolescent Literature Research Journal

Shahabadi, Hamidreza, (۲۰۰۳), "An Introduction to Children's Literature (A Discussion on Understanding the Concept of Childhood)", First Edition, Tehran, Publisher of the Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents

Shuqair, Mahmoud, (۲۰۰۱), " Ana wa Jumana: Narrative of Laftiyat and Fattian", Or Garit al-Thaqafi Center for Publishing and Translation, Ramallah, Palestine

Zandavani Naeini, Ahmad, (۲۰۰۹), "The necessity of establishing the field of philosophy of adult education as an interdisciplinary field at the master's level in the

educational sciences sub-group", Quarterly Scientific-Research Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities, Iran, Tehran, Research Institute for Cultural and Social Studies of the Ministry of Science, Volume ٢, No. ١, pp. ٨٧-١١٧